فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)
سال هفتم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۹

نظام حقوقی حاکم بر استخدام و به‌کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در ایران

الهه مرندی[۱] ؛ خدیجه مظفری سیبنی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۳۰

چکیده

نظام اداری، یکی از ارکان بنیادین هر جامعه سیاسی است که عملکرد صحیح آن ضامن پیشرفت آن جامعه خواهد بود. هر نظام اداری مبتنی بر نیروی انسانی است که ابزار پیاده‌سازی سیاست‌های اداری محسوب می‌گردند؛ از همین‌رو، در کلیه نظام‌های اداری دنیا، معیارهایی برای استخدام نیروی انسانی در نظر گرفته می‌شود که برخی از این معیارها نظیر «تابعیت»، دارای ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، حقوقی و... است. با توجه به جمعیت بالای افراد دو تابعیتی ایران و بروز برخی جرایم مهم توسط افراد مذکور، موضوع به‌کارگیری افراد مزبور در مشاغل دولتی به‌عنوان دغدغه جدی مطرح گردیده است؛ از این‌رو، در این پژوهش در پاسخ به این پرسش که به‌کارگیری افراد دارای تابعیت مضاعف در نظام استخدام نیروی انسانی در نظام اداری چه جایگاهی دارد با روشی اکتشافی- توصیفی و با ابزار تحلیل محتوای کیفی به بررسی موضوع پرداخته شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ممنوعیت اشتغال دارندگان تابعیت مضاعف در ماده ۹۸۹ قانون مدنی، ماده ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۴ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها بیان گردیده است. به‌موجب قوانین مذکور، اشتغال افرادی که به‌صورت ارادی کسب تابعیت دوم کرده‌اند؛ در دستگاه‌های دولتی و عضویت هیأت‌علمی دانشگاه‌ها ممنوع و درصورتی‌که مستخدم دولت باشند موجب انفصال از خدمات دولتی می‌گردد؛ ولی به دلیل ابهام و عدم انطباق قوانین موجود با واقعیت‌ها؛ عملاً قوانین مذکور، اجرایی نگردیده است؛ بنابراین، ضرورت بازنگری قوانین با لحاظ همه‌جانبه منافع ملی وجود دارد.

واژگان کلیدی: اصل ۴۱ قانون اساسی، تابعیت دوگانه، تابعیت مضاعف، ماده ۹۸۹ قانون مدنی، ماده ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری.

---

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، (نویسنده مسئول)
e.marandi@alzahra.ac.ir
۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
kh.mozafari@alzahra.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

مقدمه

هر جامعه سیاسی متشکل از نظام اداری است که یکی از ارکان بنیادین آن محسوب می‌گردد و عملکرد مناسب آن ضامن حرکت روبه‌جلو و توسعه آن جامعه خواهد بود. نیروی انسانی، قوه محرکه هر نظام اداری و ابزار پیاده‌سازی سیاست‌های آن محسوب می‌گردد؛ بنابراین، نظام‌های اداری به دنبال به‌کارگیری نیروی انسانی هستند که دارای ویژگی‌های تخصص، کارآمدی و تعهد باشد و معیارهای لازم برای کارآمد بودن آن نظام را دارا باشند؛ از همین‌رو، در کلیه نظام‌های اداری دنیا، معیارهایی برای استخدام نیروی انسانی در نظر گرفته می‌شود که به نهاد بررسی‌کننده این معیارها در مرحله جذب افراد و در حین خدمت، اصطلاحاً نهاد گزینش گفته می‌شود. در گزینش نیروی انسانی در نظام حقوقی ایران، اصول و معیارهایی حاکم است کـه برخـی از آن‌ها معیارهایی است که در سایر نظام‌های حقوقی کشورهای دنیا نیز مطرح است؛ همانند شرط تابعیت و شرط سن و برخی با توجه به مبانی ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران مختص به نظام ایران است؛ نظیر داشتن تقوا و اعتقاد و پایبندی به ولایت مطلقه فقیه. اینکه چه معیارهایی توسط قانون‌گذار برای ورود به استخدام شناسایی شود و اینکه نهاد احراز و بررسی‌کننده صلاحیت افراد در دارا بودن معیارهای مذکور تا چه اندازه دقیق و مناسب عمل می‌نمایند؛ در حرکت صحیح یک نظام اداری نقش اساسی ایفا می‌کند.

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر به دنبال بروز جرائم مهمی توسط افراد و مدیرانی که دارای تابعیت مضاعف بوده‌اند و پس از ارتکاب جرائم عمدتاً مالی (اختلاس) و امنیتی به کشور دیگری که تابعیت آن را نیز داشته‌اند، گریخته‌اند؛ دغدغه بسیار جدی در رابطه با به‌کارگیری افراد دارای تابعیت مضاعف در نظام اداری کشور، به‌ویژه در پست‌های مدیریتی مطرح گردیده است. این در حالی است که امروزه از یک‌سو میلیون‌ها ایرانی در خارج از ایران زندگی می‌کنند که در ایران و یا خارج از ایران به دنیا آمده و بعد از مهاجرت، تابعیت یا اقامت دیگر کشورها را گرفته‌اند و این جمعیت قابل حذف نیست و از سوی دیگر، جمعیت دو تابعیتی‌هایی که بعد از گرفتن تابعیت دوم به ایران بازگشته‌اند یا خارجی‌هایی که تابعیت ایرانی گرفته‌اند نیز قابل توجه است و بایستی به موضوع تابعیت مضاعف با یک نگاه کلان و با درنظر گرفتن کلیه ابعاد حقوقی، سیاسی، امنیتی، بین‌المللی و منافع ملی توجه شود.

مسائل یاد شده، ضرورت انجام پژوهشی را در این زمینه ایجاب نمود مبتنی بر این پرسش اصلی که نظام حقوقی حاکم در به‌کارگیری و استخدام افراد دارای تابعیت مضاعف در دستگاه‌های

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

اجرایی چیست؟ ازاین‌رو، در پاسخ به پرسش فوق طی یک پژوهش بنیادی با شیوه اکتشافی–توصیفی، ابزار تحلیل محتوای کیفی و روش کتابخانه‌ای، نخست به تعریف تابعیت در نظام حقوقی ایران و جایگاه تابعیت در گزینش نیروی انسانی در ورود به استخدام دولتی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سپس با مطالعه مفهوم و عوامل ایجاد تابعیت مضاعف به جایگاه این نوع از تابعیت در نظام استخدام نیروی انسانی در ایران پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است در خصوص موضوع این مقاله تاکنون کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای به رشته تحریر درنیامده است و صرفاً در پژوهش‌های مربوط به حوزه حقوق بین‌الملل در ذیل مبحث تابعیت به‌صورت مختصر به موضوع تابعیت مضاعف به‌عنوان چالشی در عرصه بین‌الملل پرداخته شده است.

۱. تعریف تابعیت و مبنای آن در نظام حقوقی ایران

تابعیت عبارت است از: تعلق سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی به یک دولت مشخص که ناشی از حق حاکمیت دولت است (همت،۱۳۹۴: ۱۹۱) که به دو صورت «تابعیت اصلی» و «تابعیت اکتسابی» مطرح می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر، تابعیت یک مفهوم اعتباری در بیان وابستگی یک شخص به یک نظام سیاسی است که منشأ حقوق و تکالیف فرد در برابر کشور متبوع خود است. این رابطه، معنوی و غیرمکانی است؛ زیرا اتباع هر دولتی از نظر اهداف عادات و رسوم مشترکی که دارند به یک دولت پیوند داده می‌شوند و چنین رابطه‌ای وابسته به مکان نیست (ارفع‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۴–۴۳). تابعیت اصلی به‌واسطه تولد توسط دولت‌ها به افراد تحمیل می‌گردد و جز در مواردی خاص، افراد اختیار قبول یا رد آن را ندارند. نوع دوم تابعیت که همان تابعیت اکتسابی است؛ معمولاً با درخواست افراد و پذیرش دولت‌ها صورت می‌پذیرد و منوط به داشتن شرایطی است که از سوی دولت‌ها تعیین می‌گردد. اصل خاک و اصل خون دو شیوه معمول در ایجاد تابعیت افراد است. در اصل خون، بر مبنای تابعیت والدین فرد، تابعیت مشخص می‌گردد و در اصل خاک، بر مبنای محل تولد فرد، تابعیت ایجاد می‌گردد.

قوانین مربوط به تابعیت در نظام حقوقی ایران بیانگر آن است که «تبعه ایران» تعریف نشده و صرفاً موارد آن در قانون مدنی احصا شده است. در قانون مدنی، قانون‌گذار ابتدا اصل خون را در نظر داشته و در شرایطی، اصل خاک را پذیرفته است (ناصحی، ۱۳۸۲: ۵۸). لازم به ذکر است در قانون اساسی و مدنی ایران، هیچ واژه حقوقی غیر از تابعیت که دلالت بر ایرانی بودن کسی بنماید دیده نمی‌شود (سروی مقدم، ۱۳۸۳: ۴).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

در سیستم خون، فرد بر اساس تابعیت پدر یا مادر خود و یا هر دوی آن‌ها کسب تابعیت می‌کند. قانون‌گذار در بند ۲ مادۀ ۹۷۶ قانون مدنی، سیستم خون را بر مبنای تابعیت پدر جهت اعطای تابعیت انتخاب و بیان می‌دارد: «اشخاص ذیل، تبعه ایران محسوب می‌شوند: ... ۲. کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است؛ اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.»[1]؛ همان‌گونه که بیان شد؛ قانون‌گذار با شرایطی اصل خاک را نیز پذیرفته است. در بندهای ۳، ۴ و ۵ مادۀ فوق‌الذکر، در پذیرش سیستم خاک بیان شده است: «۳- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشند. ۴. کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده، به وجود آمده‌اند ۵ .کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام، لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است».

۲. جایگاه تابعیت در قوانین استخدامی ایران

ازجمله معیارهایی که در اکثر نظام‌های حقوقی برای استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی مورد توجه قرار می‌گیرد، شرط داشتن تابعیت آن کشور است. قوانین اساسی، قوانین عام و خاص استخدامی به فراخور اهمیتی که هر نظام سیاسی-حقوقی برای به‌کارگیری اتباع خود در بخش دولتی دارد به بیان قواعد مربوط به تابعیت در حوزه استخدام و اشتغال در بخش دولتی پرداخته‌اند؛ از این‌رو در این بخش از پژوهش به جایگاه تابعیت در قانون اساسی و قوانین عام و خاص استخدامی در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

۱-۲. قانون اساسی

موضوع تابعیت و استخدام در قانون اساسی[2] در دو اصل هشتاد و دوم و یک‌صد و پانزدهم مورد توجه قرار گرفته است. قانون اساسی در خصوص استخدام و به‌کارگیری اتباع خارجی در اصل هشتاد و دوم، استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت را مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی ممنوع اعلام کرده است؛ بنابراین، به‌موجب قانون اساسی، اصل بر عدم

۱- آخرین اراده قانون‌گذار در خصوص تابعیت بر مبنای سیستم خون در قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲ بیان گردید که به‌موجب آن سیستم خون بر مبنای تابعیت مادر مورد پذیرش قرار گرفت.

۲- با توجه به تکرار اصول قانون اساسی و مواد قانون مدنی در متن، موارد مذکور به اختصار ق.ا و ق.م بیان می‌گردند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

استخدام دولتی اتباع خارجی است و استخدام دولتی صرفاً در صورت ضرورت و آن‌هم با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است. چنانچه منطوق اصل مزبور بیان می‌دارد ممنوعیت در خصوص «استخدام دولتی» است؛ اما بررسی آرای شورای نگهبان نشان می‌دهد که ممنوعیت مذکور محدود به «استخدام» در معنای قانونی مندرج در قانون استخدام کشوری و قانون مدیریت خدمات کشوری که در دو شکل رسمی و پیمانی است، نیست و هر نوع به‌کارگیری کارشناسان خارجی در دستگاه‌های دولتی را شامل می‌شود.[۱]

در اصل یک‌صد و پانزدهم ق.ا، موضوع تابعیت رئیس‌جمهور مورد توجه قرار گرفته است و بر ایرانی‌الاصل بودن و تابعیت ایرانی رئیس‌جمهور تأکید گردیده است. تأکید بر ایرانی‌الاصل بودن بدان معناست که تابعیت اکتسابی در خصوص رئیس‌جمهور مورد پذیرش نیست؛ بنابراین قانون‌گذار اساسی با بیان شرط «ایرانی‌الاصل بودن»، صرف داشتن تابعیت ایران را که به معنای داشتن علقه سیاسی است، برای تصدی منصب ریاست جمهوری کافی ندانسته است و علقه عمیق‌تری چون ایرانی‌الاصل بودن را شرط دانسته است؛ زیرا ایرانی‌الاصل بودن بدان معناست که رئیس‌جمهور نه‌تنها خودش، بلکه پدرش نیز تابعیت ایران را داشته باشد. این مسأله، تأکیدی بر داشتن تابعیت اصلی یعنی تولد فرد در ایران یا تولد از پدر ایرانی است. ماده ۹۸۲ قانون مدنی نیز بر این مسأله تأکید داشته و مقرر می‌دارد که: «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، بهره‌مند می‌شوند؛ به‌استثنای حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری و ...». چنانچه ملاحظه می‌گردد موضوع تابعیت مقامات در قانون اساسی صرفاً در خصوص رئیس‌جمهور مورد توجه قرارگرفته است.

۲-۲. قوانین عادی

در رابطه با موضوع تابعیت و استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی در قوانین و مقررات، از یک‌سو شرط تابعیت در قوانین عام استخدامی مطرح گردیده است و از سوی دیگر، در برخی از قوانین

۱- شورای نگهبان در نظریه شماره ۱۰۶۵۱ مورخ ۱۳۶۰/۰۵/۰۲ در پاسخ به استعلام وزارت نیرو مبنی بر نیاز بعضی از شرکتها و سازمانهای وابسته به آن وزارت در مورد غالب پروژه‌های نیمه‌تمام و در دست ساختمان خود به استفاده از کارشناسان خارجی متخصص خارجی در پروژه‌های نیمه‌تمام و در دست ساختمان دائر به اینکه در این گونه موارد، تصویب مجلس شورای اسلامی ضرورت دارد یا خیر، چنین پاسخ داده است: «همانطور که در اصل ۸۲ ق.ا تصریح شده است، استخدام کارشناسان خارجی فقط در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیراست؛ بنابراین، در مورد سوال نیز استخدام کارشناس خارجی باید با تصویب مجلس باشد.»

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

مربوط به استخدام و به‌کارگیری افراد در مشاغل و مناصب خاص؛ صراحتاً موضوع داشتن تابعیت ایران به‌عنوان شرط ورود به آن خدمت مطرح گردیده است. ملاک تفکیک قوانین به عام و خاص در این مبحث، از حیث پرداختن به موضوع استخدام به‌طور عام یا خاص بوده است.

۳-۲. قوانین خاص؛ تابعیت شرط تصدی مناصب مهم دولتی

ازجمله مهم‌ترین قوانینی که در خصوص مشاغل خاص تصریح به داشتن تابعیت ایران نموده‌اند، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، قانون استخدامی وزارت اطلاعات و آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها است.

در خصوص عضویت در مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی، ذکر این نکته ضروری است که به‌موجب قوانین و مقررات اداری و استخدامی نمی‌توان بر نمایندگی مجلس یا شوراها مفهوم استخدام را بار نمود و رابطه نمایندگان را با نهاد مربوطه، نوعی رابطه استخدامی تلقی کرد[۱]؛ بلکه تصدی برخی از مناصب حکومتی با توجه به اهمیت آن‌ها نیازمند دارا بودن شرایطی ویژه است که به‌موجب قوانین خاص معین شده است؛ نظیر: نمایندگی مجلس شورای اسلامی، عضویت در شوراهای شهر و روستا، تصدی منصب شهردار و ... در همین راستا بند ۱ ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، داشتن تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران را ازجمله شرایط عمومی نامزدهای انتخابات می‌داند؛ همچنین به‌موجب قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، داشتن تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران ازجمله شروطی است *که* انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام باید داشته باشند.

لازم به ذکر است، طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شده است که به‌موجب آن، افراد دوتابعیتی یا با تابعیت مضاعف و یا دارای اجازه اقامت دائم در کشورهای خارجی، نمی‌توانند برای کاندیداتوری در انتخابات مجلس ثبت‌نام کنند.

در بند (د) ماده ۸ قانون استخدامی وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۴ مجلس شورای اسلامی؛ تابعیت جمهوری اسلامی ایران، مشروط بر اینکه اکتسابی نباشد، ازجمله شروط ورود به

۱- استخدام به‌موجب بند الف ماده ۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ چنین تعریف شده است: استخدام دولت عبارت از پذیرفتن شخصی به خدمت دولت در یکی از وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

خدمت در آن وزارت‌خانه اعلام گردیده است. آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها نیز در ماده ۴ صراحتاً داشتن تابعیت ایران را ازجمله شروط عمومی استخدام اعلام می‌نماید.

قابل توجه است که به‌موجب ماده ۹۸۲ قانون مدنی برای تصدی برخی مناصب و مشاغل دولتی داشتن تابعیت اصلی ایران لازم است و تابعیت اکتسابی پذیرفته شده نیست. براساس ماده مذکور افرادی که تابعیت اصلی ایرانی ندارند بلکه تابعیت ایران را تحصیل می‌کنند، از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند ولی نمی‌توانند به این مقامات برسند: ریاست جمهوری و معاونین او، عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه، وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری، عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر، استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و مأموریت سیاسی، قضاوت، عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی. تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی.

٤-۲. قوانین عام؛ تابعیت شرط ضروری استخدام

شروط ورود به استخدام دولتی در ماده (۱۴) قانون استخدام کشوری و ماده و (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری[۱] بیان گردیده است که ازجمله این شروط دارا بودن تابعیت کشور ایران است.[۲] باوجود صراحت قانون استخدام کشوری به‌شرط داشتن تابعیت ایران برای استخدام با توجه به اهمیت موضوع عدم اشتغال اتباع بیگانه در مشاغل کلیدی و حساس، هیأت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۲/۰۶/۲۳ بنا به پیشنهاد شماره ۵۵۴۸۹ مورخ ۶/۶/۱۳۶۲ وزارت کار و امور اجتماعی

---

۱ – ماده ۴۲– شرایط عمومی استخدام در دستگاه‌های اجرائی عبارتند از:
الف– داشتن حداقل سن بیست سال تمام و حداکثر چهل سال برای استخدام رسمی و برای متخصصین با مدرک تحصیلی دکتری چهل و پنج سال. ب– داشتن تابعیت ایران. ج– انجام خدمت دوره ضرورت یا معافیت قانونی برای مردان. د– عدم اعتیاد به دخانیات و مواد مخدر. ه– نداشتن سابقه محکومیت جزائی موثر. و– دارا بودن مدرک تحصیلی دانشگاهی و یا مدارک همتراز (برای مشاغلی که مدارک همتراز در شرایط احراز آنها پیش بینی شده است). ز– داشتن سلامت جسمانی و روانی و توانایی برای انجام کاری که استخدام می‌شوند براساس آئین نامه‌ای که با پیشنهاد سازمان به تصویب هیات وزیران می‌رسد. ح– اعتقاد به دین مبین اسلام یا یکی از ادیان شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ط– التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تبصره– به کار گیری موقت و تعیین حقوق و مدت خدمت اتباع خارجی حسب قوانین و مقررات خاص خود انجام خواهد داشت.
۲ – لازم به ذکر است به‌موجب ماده ۴۵ قانون مدیریت استخدام به دو روش رسمی و پیمانی است؛ بنابراین به‌کارگیری افراد در دستگاههای اجرای در غیر روش های مذکور استخدام محسوب نمی‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

تصویب نمودند که وزارتخانه و سازمان‌های دولتی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانند اتباع خارجی را در مشاغل کلیدی و پست‌های حساس به شرح زیر بکار بگمارند:

ـ مدیریت عامل شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت .

ـ معاونت شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت .

ـ مشاغل ریاست به بالا در وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها و ارگان‌های دولتی .

ـ مشاورین مالی و اداری مدیریت عامل سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت.

در واقع این مصوبه از یک‌سو تأکیدی بر لزوم داشتن تابعیت ایران در مشاغل مذکور است و از سوی دیگر راه را بر هرگونه به‌کارگیری افراد در پست‌های مهم و حساس با استفاده از خلاهای قانونی می‌بندد. بر این اساس حتی اگر افراد در این سمت‌ها بدون داشتن وضعیت استخدامی پیمانی یا رسمی به کار گرفته شوند الزاماً باید تبعه ایران باشند.

درعین‌حال مقررات مذکور بدون استثنا باقی نمانده است و با توجه به مسأله همکاری بین‌المللی در زمینه‌های آموزشی و علمی و رعایت بند ۱ ماده ۲۷ اعلامیه حقوق بشر و توصیه‌نامه ۲۰ نوامبر ۱۹۷۴ یونسکو به‌موجب آئین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها اصلاحی ۱۳۹۸ به‌کارگیری اتباع خارجی به‌عنوان عضو هیأت‌علمی وابسته مجاز دانسته شده است. در خصوص جواز حکم مزبور لازم به ذکر است که به‌موجب حکم ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت‌امنا عمل می‌کنند. علاوه بر این به‌موجب ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری مستثنی می‌باشند. درعین‌حال ماده (۱۸۸) قانون کار مقرر می‌دارد: اشخاص مشمول قانون استخدام کشوری یا سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی مشمول مقررات این قانون نخواهند بود؛ بنابراین ازآنجاکه به‌کارگیری اتباع خارجی به‌عنوان عضو هیأت‌علمی وابسته مشمول قوانین و مقررات استخدامی دانشگاه‌ها است؛ از شمول قانون کار خارج و در چارچوب مقررات استخدامی اعضای هیأت‌علمی، مصوبات و آیین‌نامه‌های استخدامی هیأت‌امنا خواهد بود.

آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی در تعریف عضو وابسته بیان داشته است: «عضو وابسته به فرد برجسته علمی اطلاق می‌گردد که در چارچوب ضوابط و مقررات این آیین‌نامه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

به‌منظور انجام وظایف آموزشی و پژوهشی برای مدت معین انتخاب و در موسسه، بدون ایجاد هرگونه رابطه استخدامی جدید (موضوع بندهای ۱۱ و ۱۲ این ماده) به کار گرفته می‌شود. به‌کارگیری عضو وابسته، وضعیت استخدامی جدید تلقی نمی‌گردد.» با توجه به اینکه به‌موجب بند ۳ ماده (۸) آیین‌نامه مذکور، به‌کارگیری و استخدام اتباع خارجی با رعایت شرایط اختصاصی ورود به خدمت مندرج در آن آیین‌نامه، مشروط به احراز توانایی انجام وظایف آموزشی و پژوهشی لازم است که به تشخیص شورای آموزشی یا پژوهشی موسسه حسب مورد واگذار گردیده است؛ بنابراین، به‌کارگیری اتباع خارجی تابع قوانین و مقررات مربوط به خود خواهد بود.

لازم به ذکر است که در ماده (۱۱۹) آن آیین‌نامه مقرر گردیده است که: «موسسه می‌تواند افراد برجسته علمی فاقد رابطه استخدامی با دانشگاه را به‌منظور بهره‌گیری از خدمات آموزشی و پژوهشی آنان و بر اساس دستورالعمل به‌کارگیری عضو وابسته در موسسه – پیوست شماره «۶» انتخاب و برای مدت معین در موسسه به کار گیرد.» چنانچه ملاحظه می‌گردد، منع قانونی در خصوص به‌کارگیری اتباع خارجی به‌عنوان عضو وابسته در مقررات استخدامی اعضای هیأت‌علمی وجود ندارد.

۳. مفهوم و آثار تابعیت مضاعف[1]

با توجه به مباحث مطرح شده، لزوم داشتن تابعیت ایران برای استخدام و تصدی مناصب مهم روشن شد؛ ولی همچنان این پرسش قابل طرح است که اگر افرادی علاوه بر تابعیت ایران، تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشند آیا امکان استخدام و به‌کارگیری در مشاغل و مناصب دولتی را خواهند داشت؟ برای پاسخ به پرسش مذکور ابتدا مفهوم تابعیت مضاعف مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، موضوع استخدام دارندگان تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران مطالعه خواهد شد.

۳-۱. مفهوم تابعیت مضاعف

به‌طورکلی بر مبنای اصل لزوم تابعیت، هر شخص؛ حق داشتن تابعیت دارد و نمی‌توان اشخاص را از تابعیتی که دارند محروم نمود. اشخاصی که فاقد تابعیت‌اند از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم هستند. بر مبنای اصل وحدت تابعیت نیز، تابعیت باید واحد باشد، نه متعدد؛ اما عملاً به دلیل اختلاف عملکرد دولت‌ها در انتخاب سیستم خاک یا خون در خصوص تابعیت اتباع خود، مشکلاتی ایجاد گردیده است؛ به این صورت که موجب بی‌تابعیتی یا چند تابعیتی برخی از افراد گردیده است.

1 - Dual Nationality

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

(تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۵)؛ بنابراین گاهی ممکن است به دلایل ارادی یا غیرارادی، دو یا چند تابعیت در یک شخص جمع گردد؛ در این حالت، شخص در حالی‌که تابعیت یک دولت را دارد؛ دولت دیگری هم آن را از اتباع خود می‌شناسد. این افراد دارای تابعیت مضاعف (دوگانه) هستند؛ بنابراین تابعیت مضاعف عبارت است از: وضعیت شخصی که هم‌زمان تابعیت بیش از یک دولت را به‌موجب قانون آن کشورها دارد. (Turner,2002:278)

داشتن دو یا چند تابعیت توسط افراد، وضعی غیرعادی محسوب می‌گردد؛ چراکه همان‌گونه که قبلاً بیان گردید، تابعیت منشأ حقوق و تکالیف فرد در برابر کشور متبوع خود است و برخورداری از حقوق و مزایای دو دولت به‌صورت هم‌زمان، علاوه بر اینکه عادلانه نیست؛ از یک‌سو موجب می‌گردد تا شخص نتواند به‌درستی تمام تکالیف خود را نسبت به دو دولت ایفا کند و از سوی دیگر ممکن است به دلایل امنیتی به مصالح ملی دولت‌های متبوع آسیب برساند؛ به‌ویژه این آسیب می‌تواند در خصوص دارندگان مناصب لشگری و کشوری مطرح گردد (حدادیان، ۱۳۹۵: ۱۰۸۳).

از لحاظ تاریخی، دولت‌ها به تابعیت چندگانه به‌عنوان یک وضعیت غیرعادی می‌نگریسته‌اند که موجب ایجاد چالش در رابطه بین افراد و دولت‌هایشان می‌گردیده است و موجبات نگرانی مقامات دولتی را در خصوص وابستگی چندگانه افراد به دولت‌های مختلف ایجاد می‌کرده است. با آغاز مهاجرت‌های گسترده در سال ۱۹۲۰، این نگرانی‌ها افزایش یافت و منجر به دخالت جامعه ملل گردید تا کمیته‌هایی را در راستای تدوین کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص تابعیت تشکیل دهد و موضوع چند تابعیتی را حل نماید (Cook Martin, 2013:3). در همین راستا، در مقدمه کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه بیان گردید که به نفع عموم جامعه بین‌المللی است که هر فرد دارای یک تابعیت باشد و جز آن تابعیت نداشته باشد. لازم به ذکر است به‌موجب کنوانسیون یادشده، اصولی در خصوص تابعیت مطرح شده است (کاسس، ۱۳۶۴: ۷۸-۷۷).

داشتن تابعیت مضاعف سبب تقابل میان دولت‌های متبوع شخص می‌گردد و این امر با نظم بین‌المللی، به‌ویژه از حیث تقسیم جغرافیایی اشخاص میان دولت‌ها ناسازگار است و نیز دولت‌ها دربارهٔ آن دسته از اتباع خود که دارای تابعیت دولت دیگر نیز هستند؛ نمی‌توانند نظر مساعد داشته باشند و هر دولت از دید قواعد بین‌المللی مجاز است تابعیت خارجی این‌گونه اتباع خود را نادیده بگیرد و آن‌ها را فقط تبعه خود بداند. نتیجه همین‌گونه قواعد است که چنین اتباعی نمی‌توانند از حمایت سیاسی دولت‌های متبوع خود در برابر یکدیگر بهره‌مند باشند. (سلجوقی، ۱۳۸۰: ۶۳).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

در عرصه بین‌المللی، دلایل مختلفی موجب پیدایش وضعیت غیرعادی تابعیت مضاعف می‌گردد. موارد بروز تابعیت مضاعف را به دو دسته تابعیت مضاعف در زمان تولد (تابعیت مضاعف تولدی) و تابعیت مضاعف بعد از تولد تقسیم می‌کنند (الماسی، ۱۳۸۳: ۱۶۰). مهم‌ترین دلیل تعارض مضاعف تولدی، تعارض قوانین دولت‌ها و اختلاف رویه آن‌ها در تحصیل تابعیت است که برخی سیستم خاک و برخی سیستم خون را اعمال می‌نمایند. در این صورت تابعیت مضاعف از هنگام تولد وجود دارد.

شکل دیگر پیدایش تابعیت مضاعف که تابعیت بعد از تولد است به این صورت است که شخص با حفظ تابعیت قدیمش تابعیت جدیدی به دست آورد که با درخواست شخص صورت می‌پذیرد (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۷۲). ازدواج ازجمله دیگر عواملی است که موجب ظهور پدیده تابعیت مضاعف می‌گردد. اغلب کشورها در قوانین خود مقرر کرده‌اند که ازدواج مرد با زن تبعه کشور دیگر موجب تحمیل تابعیت مرد بر زن می‌گردد؛ بدین‌صورت که هرگاه دولتی که زن تبعه آن است؛ تابعیت اصلی را برای او حفظ کند و دولتی که شوهر تابعیت آن را دارد تابعیت شوهر را به زن تحمیل نماید؛ در این مورد، تابعیت مضاعف رخ می‌دهد. اقامت، اشغال نظامی، الحاق و واگذاری سرزمین نیز از دیگر عوامل بروز پدیده تابعیت مضاعف است (نصیری، ۱۳۷۲: ۴۱).

نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف، مقرراتی را به‌تناسب سیاست‌های خود در برخورد با پدیده تابعیت مضاعف تدوین نموده‌اند. برخی کشورها همچون مالزی (به‌موجب تصریح مواد ۱۴ الی ۳۱ قانون اساسی فدرال این کشور) و قزاقستان (به‌موجب بند ۳ اصل ۱۰ قانون اساسی و ماده ۳ قانون تابعیت) تابعیت مضاعف را به‌طور مطلق نپذیرفته‌اند و برخی نظیر عربستان (به‌موجب قانون تابعیت مصوب ۱۳۷۴/۰۲/۲۲ ه.ق)، آن را صرفاً در صورت کسب اجازه از دولت پذیرفته‌اند.

برخی کشورها نیز مانند ایالات‌متحده آمریکا بین موارد حدوث ارادی و حدوث غیرارادی تابعیت مضاعف قائل به تفکیک شده‌اند و در مواردی که شخص به‌طور غیرارادی تابعیت دیگری را به دست آورده است؛ در معرض از دست دادن تابعیت آمریکایی خود نیست؛ ولی افرادی که تابعیت دیگری را به خواست و با تقاضای خود تحصیل می‌کنند؛ در معرض از دست دادن تابعیت آمریکایی خود قرار می‌گیرند[1]. کشور امارات نیز ازجمله کشورهایی است که حدوث تابعیت مضاعف به دلیل تولد را پذیرفته است (Henderson,2019).

---

۱ . بسیاری از قوانینی که تابعیت مضاعف را ممنوع می دانست در سال ۱۹۶۵ توسط دیوان عالی ایالات متحده آمریکا لغو شد. https://www.legallanguage.com/legal-articles/dual-citizenship-united-states

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

۲-۳. آثار تابعیت مضاعف

نخستین اثری که در رابطه تابعیت مضاعف مطرح می‌گردد؛ مسأله تکالیفی است که شخص دو تابعیتی در قبال دولت‌های متبوع خود دارد. تکالیفی مانند خدمت نظام‌وظیفه، پرداخت مالیات به هر دو کشور و غیره.

اما تابعیت مضاعف در خصوص کشورهای متبوع نیز دارای آثار مهم و قابل توجهی است که مورد توجه این پژوهش است. تابعیت مضاعف زمینه‌ای برای ایجاد مسائل و مشکلات امنیتی برای کشورهایی است که فرد تابعیت آن‌ها را دارد. در اینجا بحث ارتکاب جرائم مهم امنیتی و مالی توسط فرد دو تابعیتی مطرح است. این مسأله به‌ویژه زمانی پررنگ می‌گردد که فرد دارای مناصب مهم دولتی و نظامی در یکی از کشورها باشد. داشتن تابعیت مضاعف موجب می‌گردد که فرد با ارتکاب جرائم مالی و امنیتی بزرگ نظیر اختلاس و جاسوسی پس از ارتکاب جرم به کشور دیگری که تابعیت آن را نیز دارد گریخته و امکان محاکمه و مجازات آن غیرممکن یا بسیار سخت گردد.

همین مسأله موجب گردیده است که در قوانین کشورهای مختلف در خصوص استخدام و اشتغال در برخی از مناصب و مشاغل دولتی ممنوعیت‌هایی پیش‌بینی گردد. در این خصوص می‌توان به‌نظام حقوقی مصر اشاره نمود که در آن دارندگان تابعیت دوگانه ممنوع از استخدام در پلیس و سایر مشاغل نظامی می‌باشند و نیز از انتخاب شدن به‌عنوان نماینده مجلس منع می‌شوند. (Manby, 2010: 75)

در ایران نیز جرائم ارتکابی توسط دو تابعیتی‌ها در سال‌های اخیر این دغدغه را از سوی رسانه‌ها و نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح نمود که افراد دو تابعیتی گزینه‌های مناسبی برای سرویس‌های جاسوسی بیگانه هستند تا از این افراد در راستای انجام مأموریت‌ها و برنامه‌های جاسوسی خود بهره بگیرند. همین مسأله ضرورت توجه به موضوع استخدام و به‌کارگیری افراد دارای تابعیت مضاعف را در دستگاه‌های دولتی به‌ویژه در مناصب مهم دولتی و نظامی مطرح می‌کند. در همین راستا در ادامه بحث به بررسی مقررات موجود در نظام اداری ایران برای استخدام دارندگان تابعیت مضاعف پرداخته می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

٤. جایگاه تابعیت مضاعف در قوانین استخدامی ایران

٤-١. قانون اساسی؛ ابهام در قلمرو اختیار دولت

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو اصل ۴۱ و ۴۲ به موضوع حق تابعیت، سلب تابعیت و اعطای تابعیت به اتباع خارجی پرداخته است که در تفسیر اصول مذکور، موضوع تابعیت مضاعف مطرح می‌گردد. در دو اصل فوق، علاوه بر تمایز میان دارندگان تابعیت اصلی و دارندگان تابعیت اکتسابی، حکم سه موضوع دیگر نیز بیان شده است: نخست، شناخت تابعیت به‌عنوان حق برای ایرانیان؛ بنابراین اشخاص می‌توانند در برابر دولت به این حق خود استناد کنند، دوم، تسهیل پذیرش بیگانگان به تابعیت ایران و سوم محدود بودن اختیار دولت در سلب تابعیت از اتباع ایران (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۱۸).

به‌موجب اصل ۴۱ قانون اساسی، حق تابعیت؛ اختیار دولت در سلب آن و کسب تابعیت کشور دیگر توسط اتباع ایران در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. به‌موجب اصل مذکور مقرر گردیده است: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند؛ مگر به درخواست خود او یا درصورتی‌که به تابعیت کشور دیگری درآید».

با توجه به مفهوم مخالف اصل مذکور، دولت می‌تواند از هر ایرانی که به تابعیت کشور دیگر درآید، سلب تابعیت نماید. در این خصوص از عبارت «می‌تواند» دو تعبیر الزام یا اختیار قابل برداشت است؛ یعنی دولت این «اختیار» یا «الزام» را دارد که تابعیت ایرانی هر فرد تبعه ایران که تابعیت کشور دیگری را پذیرفته، سلب کند. از سوی دیگر، پذیرش تعبیر اختیار از مفهوم مخالف اصل مذکور، بیانگر آن است که دولت می‌تواند از افرادی که کسب تابعیت کشور دیگر نموده‌اند، سلب تابعیت ننماید و این به معنای پذیرش تابعیت مضاعف است. به‌بیان‌دیگر،دولت مختار خواهد بود که تابعیت ایرانی فرد را سلب نماید یا تابعیت او را همچنان به رسمیت بشناسد و این به نحوی به معنای پذیرش تابعیت دوگانه یا مضاعف از سوی قانون‌گذار است؛ اما اگر از اصل مذکور، الزام دولت به سلب تابعیت از افراد دارای تابعیت دیگر برداشت شود؛ آنگاه باید گفت که قانون اساسی ایران مخالف پذیرش تابعیت مضاعف حداقل در برخی فروض بوده است. به‌زعم نگارنده، واگذاری اختیار تصمیم‌گیری درخصوص حفظ یا سلب تابعیت چنین افرادی به قوانین عادی و تعیین مرجع تصمیم‌گیرنده با لحاظ مصالح و منافع ملی منطقی‌تر است؛ بنابراین، چهره اختیاری این گزاره، موجه‌تر به نظر می‌رسد. ملاحظه مشروح مذاکرات جلسه بررسی نهایی قانون اساسی نشان می‌دهد ابهام در خصوص الزام یا اختیار دولت در سلب تابعیت افرادی که تابعیت کشور دیگر را می‌پذیرند؛

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

توسط یکی از نمایندگان[۱] حاضر در جلسه مطرح می‌گردد و بر لزوم اختیاری بودن سلب تابعیت این‌گونه افراد تأکید می‌گردد (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۲، ج۱: ۷۴۸-۷۴۹).

اگرچه ممکن است این حکم، ایراد قانون اساسی در پذیرش تابعیت مضاعف تلقی شود؛ ولی اختیار دولت در سلب یا عدم سلب تابعیت مضاعف، دست قانون‌گذار عادی را در سیاست‌گذاری در برخورد با افرادی که به‌صورت ارادی کسب تابعیت مضاعف نموده‌اند و افرادی که به‌صورت غیرارادی دارای تابعیت مضاعف شده‌اند باز می‌گذارد تا با لحاظ کلیه جوانب و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقدام به قانون‌گذاری در خصوص این مسأله بنماید و در اعمال محرومیت‌ها و مجازات‌ها، عنصر ارادی‌بودن و انگیزه کسب تابعیت بیگانه را لحاظ نماید.

دقت در اصل مذکور نشان می‌دهد که از عبارت: «درصورتی‌که به تابعیت کشوری دیگر درآید» نیز می‌توان هر یک از دو نوع پذیرش ارادی و قهری تابعیت را برداشت نمود. ازآنجاکه تابعیت غیرارادی در اختیار شخص نیست؛ لازمه برخورد عادلانه با وی آن است که از او سلب تابعیت نگردد؛ اما درخصوص پذیرش اختیاری تابعیت، به نظر می‌رسد که اعطای اختیار سلب تابعیت به دولت منطقی و عادلانه است. به نظر نگارنده، توجه به اصل ۴۱ ق.ا بیانگر آن است که این اصل ناظر به کسب تابعیت مضاعف افراد به‌صورت اختیاری و ارادی است و در مواردی که فرد به‌صورت غیرارادی دارای تابعیت مضاعف می‌گردد؛ مشمول حکم اصل مزبور نمی‌گردد؛ بنابراین، در این فرض دولت اختیار سلب تابعیت از فرد را ندارد. درعین‌حال، تا زمانی که تفسیری از سوی مرجع صالح نسبت به اصل مذکور اعلام نگردد؛ تاب هر دو تفسیر وجود دارد و چه‌بسا که حمل گزاره مذکور بر هر دو معنا وجاهت بیشتری داشته باشد. بدین‌ترتیب، خواه شخص به‌خودی‌خود به تابعیت کشوری دیگر درآید و خواه داوطلبانه تابعیت کشوری دیگر را بپذیرد، دولت ایران اختیار خواهد داشت که از وی سلب تابعیت نماید. بر این اساس در نهایت به نظر می‌رسد نمی‌توان از متن اصل ۴۱ ق.ا، مؤیدی در جهت پذیرش یا رد مقولهٔ تابعیت دوگانه یا مضاعف به‌صورت مطلق از سوی قانون‌گذار اساسی برداشت نمود.

هر چند در یک برداشت سختگیرانه می‌توان این تلقی را از قانون داشت که صرفا در صورت غیرارادی بودن تابعیت دوم، دولت در سلب تابعیت ایرانی فرد اختیار دارد و مفهوم مخالف این تلقی آن است که در صورت ارادی بودن تابعیت دوم، دولت ملزم است تابعیت ایرانی شخص را سلب

۱- گلزاده غفوری نماینده منتخب مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

نماید. با توجه به اینکه اصل مذکور، تاب تفاسیر گوناگون را دارد؛ به نظر می‌رسد تفسیر وفادارتر به متن فعلا همان است که گفته شد و برداشت اخیر به نوعی از منطوق اصل دور می‌شود؛ زیرا از یک سو مبتنی بر تفسیر عبارت «به تابعیت کشور دیگر درآید» به عنوان تابعیت قهری و از سوی دیگر، پیش‌بینی اراده قانون‌گذار (سلب اجباری تابعیت ایران) نسبت به کسب تابعیت ارادی کشور دیگر است که در اصل ۴۱، اشاره‌ای به آن نشده است.

اصل دیگری که درخصوص تابعیت مضاعف می‌توان بدان اشاره نمود؛ اصل ۴۲ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند» اصل فوق‌الذکر در مقام تسهیل پذیرش بیگانگان به تابعیت ایران است و لکن ممکن است با عنایت به به‌کارگیری عبارت «می‌توانند» در صدر ماده چنین برداشت شود که به‌موجب اصل مذکور تابعیت مضاعف پذیرفته شده است. در بررسی مشروح مذاکرات جلسه بررسی نهایی قانون اساسی ملاحظه می‌گردد که این ابهام در میان تعدادی از نمایندگان حاضر در جلسه نیز مطرح بوده است؛ بدین‌صورت که یکی از نمایندگان حاضر[1] در جلسه بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص معنای عبارت «می‌توانند» بیان می‌کند که چنانچه «می‌توانند» در معنای اختیار باشد؛ این به معنای پذیرش تابعیت مضاعف است؛ چراکه اتباع خارجی را در سه صورت می‌توان سلب تابعیت کرد: ۱. اینکه خود فرد بخواهد، ۲. دولت دیگر تابعیت آن‌ها را بپذیرد و ۳. اینکه فرد با حفظ تابعیت اول، تابعیت ایران را بپذیرد که در این صورت دولت ایران می‌تواند تابعیت ایرانی را از وی سلب کند. این نظر توسط رئیس جلسه و شهید بهشتی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد با این استدلال که کلمه می‌توانند در مقام بیان تابعیت مضاعف نیست و فرض بر این است که فردی که اقدام به ترک تابعیت قبلی خود نکرده است؛ دولت درخواست کسب تابعیت ایرانی وی را نمی‌پذیرد[2]. (مشروح مذاکرات مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۲، ج۱: ۷۵۰-۷۴۹). بااین‌وجود، متن اصل مذکور به‌روشنی امکان پذیرش تابعیت مضاعف را در نظام حقوقی ایران

---

۱ – سبحانی نماینده منتخب مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی

۲ – در جلسه مذکور، شهید بهشتی با بیان اینکه کلمه می‌تواند در این جا معنای اختیار می‌دهد؛ تصریح می‌نمایند که این کلمه معنای اختیار می‌دهد و درصورتی‌که لازم باشد در خصوص معنای کلمه «می‌تواند» بعدا قانونی نوشته می‌شود که این کلمه را معنی می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

نشان می‌دهد و لازم بود قانون‌گذار در صورت تمایل به عدم پذیرش این نوع از تابعیت، نسبت به آن تصریح می‌نمود.

حال با توجه به ابهامات مطرح شده و نیز ضرورت تعیین جزئیات قانونی احکام فوق در قوانین عادی ضروری است که موضع قوانین عادی نسبت به تابعیت مضاعف مستخدمان دولت مورد بررسی قرار گیرد.

۲-٤. قوانین عادی؛ ممنوعیت و مجازات

در بررسی قوانین عادی و مقررات داخلی ملاحظه می‌گردد که موضوع استخدام دارندگان تابعیت مضاعف در قوانین عامی چون قانون مدنی و قانون مدیریت خدمات کشوری و در برخی قوانین خاص استخدامی نظیر آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها و قوانین استخدامی نیروهای مسلح مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه مبحث به بررسی رویکرد قوانین مذکور به مسأله تابعیت مضاعف در استخدام و به‌کارگیری دارندگان این تابعیت پرداخته می‌شود.

۳-٤. ماده ۹۸۹ قانون مدنی؛ ممنوعیت اشتغال در مشاغل دولتی

در دکترین حقوق بین‌الملل، دولت‌ها حق دارند شرایط کسب تابعیت توسط شهروندان خود را تعیین کنند و چنانچه فردی بدون انجام آن شرایط، تابعیت خارجی کسب کند؛ آن کشور حق دارد نتایج آن تابعیت را به رسمیت نشناسد (Bar-Yaacov,1961:143). ماده ۹۸۹ ق.م ایران نیز منعکس‌کننده همین نظر است. مطابق با ماده ۹۸۹ ق.م، هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد؛ تبعیت خارجی او کان لم یکن[1] بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود؛ ولی درعین‌حال کلیه اموال غیر منقول او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به‌علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

---

۱ – در خصوص «کان لم یکن» دانستن تابعیت کشور دیگر، این ایراد مطرح است که بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، کشورها نمی‌توانند اسناد و قوانین دولت دیگر را که بر اساس حاکمیت خود صادر کرده است، کان لم یکن نمایند؛ بنابراین قاعده تحصیل تابعیت هر کشور مربوط به حاکمیت همان کشور است و صرفاً در خصوص آثار تابعیت دوم نسبت به کشور اول دارای اثر حقوقی است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

چنانچه در قانون مدنی ملاحظه می‌گردد؛ اخذ تابعیت کشورهای دیگر برای اتباع ایران منوط به رعایت مقررات قانونی است که در ماده ۹۸۸ ق.م بیان گردیده که منوط به لغو یا ترک تابعیت ایران است.

مفاد ماده ۹۸۹ ق.م بیانگر آن است که دولت، تابعیت ایرانی افرادی که به‌صورت غیرقانونی تابعیت کشور دیگری را پذیرفته‌اند، حفظ کرده و تابعیت جدید را نمی‌پذیرد. عبارت «به‌صورت غیرقانونی تابعیت کشور دیگر را پذیرفته‌اند» در این ماده به نظر می‌رسد ناظر به افرادی است که به نحوی غیر از موارد مقرر در ماده ۹۸۸ ق.م، ترک تابعیت ایران نموده[1] و سپس تابعیت کشور دیگر را پذیرفته است (نیاکی،۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۷۱)؛ بنابراین به‌موجب ماده ۹۸۹ ق.م، پذیرش قانونی تابعیت کشور دیگر به‌موجب حکم مقرر در ماده ۹۸۸، قانونی است و در مواردی که ترک تابعیت به شکل مزبور صورت نپذیرد و تابعیت کشور دیگر کسب شود؛ مشمول حکم ماده ۹۸۹ خواهد بود؛ بنابراین مشخص است در حالت پیش‌بینی‌شده فوق، اساساً مشکل تابعیت مضاعف ایجاد نمی‌گردد؛ چراکه فرد ابتدا ترک تابعیت ایران نموده، سپس اقدام به کسب تابعیت خارجی می‌نماید که در این صورت، اساساً موضوع تابعیت مضاعف مطرح نیست.

لازم به ذکر است ماده ۹۸۹ با بیان عبارت «تحصیل کرده باشد» ناظر به مواردی است که تابعیت مضاعف به‌صورت ارادی ایجاد شده است و منطوق ماده بیانگر حالت دارا شدن غیرارادی تابعیت مضاعف نیست. به‌عنوان‌مثال، کسانی که از پدر ایرانی در خارج از کشور متولد شده باشند؛ وضع تابعیت آن‌ها تابع قوانین کشور محل تولد است؛ اما بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، چنین فرزندی را همچنان ایرانی می‌داند. ازآنجاکه تابعیت مضاعف ایجاد شده به این روش، ناشی از تفاوت مبانی اعطای تابعیت در نظام‌های حقوقی مختلف بوده و مخالفتی با قوانین ایران صورت نپذیرفته است؛ اعمال محدودیت‌های قانونی مربوط به دوتابعیتی‌ها در خصوص این دسته از افراد، وجاهت قانونی ندارد.

به‌موجب حکم ماده ۹۸۹ ق.م (چنانچه قائل به اعتبار ماده ۹۸۹ ق.م باشیم[2]) که کسب تابعیت کشور دیگر را در صورت عدم لغو یا ترک تابعیت ایران غیرقانونی می‌داند و حکم به حفظ تابعیت

۱- موضوع ترک تابعیت از موارد نادری است که یا اصلا اتفاق نمی‌افتد یا به‌ندرت با چنین درخواستی روبه‌رو می‌شویم (ابراهیم گل و همتی، ۱۳۹۴: ۷۷). موارد ترک تابعیت در ماده ۹۸۸ قانون مدنی بیان گردیده است.

۲ - نظر دیگری نیز در این خصوص مطرح می‌گردد مبنی بر اینکه ماده ۹۸۹ قانون مدنی از قوانین متروک است و قانون متروک در تعریف حقوقی به آن دسته از قوانین گفته می‌شود که با تشریفات رسمی تصویب شده و لازم‌الاجرا باشند؛ اما در طول مدت اعتبار خود از آن استفاده نشده و امکان استفاده به هر علت میسر نباشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

ایرانی افرادی داده است که تابعیت کشور دیگر را گرفته‌اند؛ دریافت تابعیت کشور دیگر توسط تبعه ایران (به‌صورت ارادی)، موجب محرومیت از تصدی مشاغل دولتی می‌گردد. نکته حائز اهمیت در خصوص ماده بالا آن است که عبارت «هرگونه مشاغل دولتی» دارای ابهام است و مشخص نیست که آیا منظور استخدام دولتی است که در حال حاضر به‌موجب ماده ۴۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، در دو شکل رسمی و پیمانی صورت می‌پذیرد یا هرگونه به‌کارگیری در دستگاه‌های دولتی مدنظر است. چنانچه فرض اول مدنظر باشد؛ به‌کارگیری افراد به‌صورت مشاور و غیراستخدام رسمی و پیمانی در مناصب مدیریتی کلان مشمول حکم ممنوعیت مزبور نخواهد بود.

موضوع دیگری که در اینجا لازم است بدان پرداخته شود؛ حکم مندرج در تبصره ماده ۹۸۹ ق.م است که مقرر می‌دارد: «هیأت‌وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد. به این‌گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه، اجازهٔ ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد.» به‌موجب تبصره بالا، هیأت‌وزیران این اختیار را دارد تا با حفظ تابعیت ایرانی فرد، تابعیت خارجی افرادی را که بدون رعایت مقررات قانونی، تابعیت کشور دیگر را تحصیل کرده‌اند، به‌رسمیت بشناسد. این حکم بیانگر پذیرش تابعیت مضاعف از سوی قانون‌گذار تحت شرایط خاص و منوط به پذیرش هیأت‌وزیران است. با قرار دادن این ماده در کنار اصل ۴۱ قانون اساسی می‌توان چنین برداشت نمود که به‌موجب این تبصره، قانون‌گذار پذیرفته است که در مواردی، امکان پذیرش تابعیت خارجی اتباع ایران بدون سلب تابعیت ایرانی آن‌ها وجود دارد.

در پایان تبصره، بهره‌مندی این افراد از برخی حقوق نظیر رفت و آمد به ایران و اقامت در ایران منوط به موافقت وزارت امور خارجه گردیده است. این بدان معناست که پذیرش تابعیت خارجی این افراد در کنار تابعیت ایرانی آن‌ها به معنای بهره‌مندی کامل آن‌ها از حقوق اتباع ایران نیست. درعین‌حال، حکم تبصره ماده ۹۸۹ به معنای لغو حکم ممنوعیت به اشتغال در مشاغل دولتی مندرج در ذیل ماده مذکور نیست و حکم ممنوعیت همچنان درخصوص این افراد باقی است. محدودیت‌های بیان شده در آخر تبصره مؤید این مطلب است.

٤-٤. ماده ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری؛ انفصال دائم از خدمات دولتی

محرومیت دیگری که به‌موجب قوانین برای دارندگان تابعیت مضاعف پیش‌بینی شده است؛ حکم ماده ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری است که مقرر می‌دارد: «خروج از تابعیت ایران و یا قبول

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

تابعیت کشور بیگانه به‌شرط گواهی وزارت امور خارجه موجب انفصال از خدمات دولت خواهد بود.»

چنانچه ملاحظه می‌گردد، به‌موجب ماده فوق؛ قبول تابعیت بیگانه به‌شرط گواهی وزارت خارجه موجب انفصال از خدمات دولتی است. در این ماده، توجه به افرادی است که اشتغال به مشاغل دولتی دارند و اقدام به قبول تابعیت کشور دیگر می‌نمایند. به‌کار بردن عبارت «قبول تابعیت بیگانه» به معنای پذیرش ارادی تابعیت است؛ بنابراین، حکم محرومیت ماده مزبور، اولاً شامل مستخدمین دولتی است و ثانیاً، مربوط به تحصیل ارادی تابعیت است.

انفصال از خدمات دولتی مندرج در ماده فوق ازآنجاکه ذیل یک قانون استخدامی بیان شده است؛ نه یک قانون کیفری از نوع مجازات اداری است و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، صلاحیت رسیدگی به موضوع و صدور حکم انفصال را دارند؛ همچنین با توجه به ممنوعیت مندرج در ماده ۹۸۹ قانون مدنی به اشتغال دولتی و نظر به فلسفه وضع حکم انفصال برای اخذکنندگان تابعیت مضاعف، چنین برداشت می‌شود که انفصال مذکور از نوع انفصال دائم و منع اشتغال مستخدم رسمی دولت به خدمت دولتی برای همیشه است. بر همین اساس، روشن است که انفصال دائم از تمام مشاغل دولتی مدنظر قانون‌گذار بوده است؛ نه صرفاً انفصال از سمتی که در زمان صدور حکم انفصال دارا بوده است؛ بنابراین، فرد پس از محکومیت، حق اشتغال در هیچ‌یک از مشاغل دولتی را نخواهد داشت.

در میان سایر مقررات مربوط به استخدام، جالب توجه است که ماده (۴) آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی، تنها مقرره قانونی است که به‌صراحت اصطلاح «تابعیت مضاعف» را به کار برده است. این ماده مقرر می‌دارد: متقاضیان ورود به خدمت در مؤسسه می‌بایست به تشخیص مراجع ذیصلاح از شرایط عمومی ذیل، برخوردار باشند: الف- تابعیت جمهوری اسلامی ایران و ب. عدم‌تغییر یا کسب تابعیت مضاعف در طول دوران خدمت.

به نظر می‌رسد نگاه قانون‌گذار به مقوله تابعیت مضاعف با هدف حفظ منافع و مصالح ملی آن است که چنین افرادی نباید وارد خدمات دولتی گردند و اگر در حین خدمت نیز تابعیت خارجی به دست آورند؛ بایست برای همیشه از تصدی مشاغل دولتی منع گردند. در نهایت با توجه به آنچه گفته شد؛ معلوم می‌گردد که موضع قوانین و مقررات در خصوص دارندگان تابعیت مضاعف، تا حدزیادی روشن است؛ ولی این مقررات چنان در وادی اجرا عقیم مانده‌اند که گاه از برخی قوانین نظیر ماده ۹۸۹ قانون مدنی به‌عنوان قانون متروک یاد شده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

نتیجه‌گیری

ازجمله شرایطی که در بیشتر کشورها برای استخدام افراد در دستگاه‌های دولتی پیش‌بینی شده، شرط داشتن تابعیت آن کشور است. در سال‌های اخیر، استخدام و به‌کارگیری افراد دارای تابعیت دوگانه (تابعیت مضاعف) در دستگاه‌های دولتی در ایران به‌عنوان دغدغه‌ای جدی در نظام اداری مطرح شده است.

تابعیت مضاعف یا تابعیت دوگانه، موضوعی است که باوجود تلاش‌های صورت گرفته در سطح جهان، به دلیل اقتضائات زندگی در دنیای امروز همچنان وجود دارد و نمی‌توان آن را به‌سهولت و به‌طور کامل محو نمود و به همین دلیل، بسیاری از کشورهایی که در ابتدای قرن بیستم، مقوله تابعیت مضاعف را مطلقاً نمی‌پذیرفتند؛ امروزه با در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی‌شان آن را پذیرفته‌اند. در نظام حقوقی ایران نیز بایستی با قانون‌گذاری مناسب، تا حد امکان برای رفع علل و عوامل ایجاد این وضعیت چاره‌اندیشی کرد و در خصوص موارد اجتناب‌ناپذیر بروز تابعیت مضاعف با قانون‌گذاری مناسب از مشکلات و آسیب‌های ناشی از آن جلوگیری نمود.

نگاهی به قوانین و مقررات داخلی نشان می‌دهد که جز در آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها، در هیچ‌یک از قوانین و مقررات، اصطلاح «تابعیت مضاعف» به‌کار برده نشده است. از مفاد ماده ۹۸۹ ق.م چنین برمی‌آید که با کان‌لم‌یکن شناختن تابعیت دوم افراد، تابعیت مضاعف به‌موجب قوانین ایران پذیرفته شده نیست. اگرچه به‌موجب حکم اصل ۴۱ ق.ا، دولت می‌تواند تابعیت ایرانی چنین افرادی را لغو نماید.

محرومیت‌های پیش‌بینی شده در ماده ۹۸۹ قانون مدنی و ماده ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و قوانین استخدامی خاص نظیر آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها، خود مؤید نظریه عدم پذیرش تابعیت مضاعف در حقوق ایران است. البته بایستی به این موضوع توجه گردد که کسب تابعیت کشور دیگر به‌موجب قوانین ایران جرم محسوب نمی‌گردد.

ملاحظه قوانین یادشده، بیانگر آن است که رویکرد قانون‌گذار به‌طور مشخص، عدم به‌کارگیری افراد دارای تابعیت مضاعف در مشاغل دولتی است. آسیب‌شناسی نظام گزینش و استخدام نیروی انسانی، بیانگر آن است که محرومیت‌ها و مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون عملاً اجرایی نگردیده است و تعداد زیادی از ایرانیان به‌صورت ارادی و غیرارادی با وجود داشتن تابعیت کشور دیگر در استخدام دولت هستند و گاه مناصب مهم دولتی را نیز در اختیار دارند. عدم

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

اجرای مقررات در این بخش به‌گونه‌ای بوده است که نظریه متروک بودن ماده ۹۸۹ ق.م مطرح شود.

دلایل عدم اجرای این مقررات را می‌توان در کلی‌گویی و ابهام، عدم لحاظ عنصر اراده در کسب تابعیت دوم، سکوت قانون درخصوص دارندگان اقامت و کارت سبز[1]، عدم توجه به واقعیت‌های موجود (تعداد زیادی از ایرانیان تابعیت مضاعف دارند) و ... دانست. توجه به این واقعیت نیز ضروری است که منافع ملی و حقوق شهروندی افراد اقتضا می‌نماید که کشور به‌طور مطلق از خدمات همه دارندگان تابعیت مضاعف محروم نگردد. رویه بسیاری از کشورها نظیر فرانسه، کانادا، فنلاند، دانمارک و ... نشان می‌دهد بایستی با پدیده تابعیت مضاعف به‌عنوان یک واقعیت دنیای امروز برخورد کرد و اصل را بر عدم پذیرش مطلق آن قرار نداد.

از همین‌رو، شایسته است بر اساس پیشنهادهای زیر، بازنگری قانونی صورت پذیرد:

بازنگری ماده ۹۸۹ قانون مدنی و رفع ابهامات موجود در آن از حیث ارادی یا غیرارادی بودن کسب تابعیت بیگانه و تعیین قلمروی ممنوعیت اشتغال به مشاغل دولتی؛

ایجاد ممنوعیت برای دارندگان تابعیت مضاعف، صرف‌نظر از نحوه کسب تابعیت سیاسی، علی‌الاطلاق از تصدی سمت‌های اطلاعاتی، امنیتی و مناصب مهم دولتی.

تمهید شرایط مناسب و مشخص برای بهره‌مندی دولت از خدمات افرادی که به‌صورت غیرارادی دارای تابعیت مضاعف گردیده‌اند در مشاغل دارای حساسیت و اهمیت کمتر. مجاز دانستن اشتغال و تجارت غیردولتی درخصوص افرادی که به‌صورت ارادی اقدام به کسب تابعیت کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که اخذ تابعیت دوم توسط فرد به معنای پشت‌کردن وی به کشور و حتی خیانت، تفسیر و تعبیر نگردد و با در نظر گرفتن شروطی نظیر الزام افراد به اعلام اخذ تابعیت دوم به وزارت امورخارجه و درنظر گرفتن تمهیدات امنیتی و تضمینات کافی، امکان اشتغال افراد در سطوح غیرمدیریتی فراهم گردد و کشور از امکانات مالی و تخصص و موقعیت آنان محروم نگردد.

تصریح قانون‌گذار در خصوص وضعیت اشتغال دولتی دارندگان گرین‌کارت و سایر امتیازهای اقامتی و شهروندی که به معنای دقیق کلمه، «تابعیت» نیستند؛ اما بسیاری از آثار تابعیت را با خود به همراه دارند.

---

1 - Green Card

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

منابع

الف- منابع فارسی

۱. ابراهیم گل، علیرضا و همتی مقدم، محسن (۱۳۹۴)؛ «مطالعه تطبیقی تابعیت اکتسابی درس‌هایی برای قانون‌گذار ایرانی»، حقوق خصوصی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص۱۰۳-۷۵.

۲. ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۳)؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: سمت.

۳. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۳)؛ تعارض قوانین، چاپ یازدهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۴. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۸۶)؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول، تهران: انتشارات کتاب.

۵. تقی‌زاده، احمد (۱۳۹۵)؛ سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸، بررسی اصل چهل و یکم، موضوع جلسه بیست و نهم مشروح مذاکرات، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

۶. حدادیان، محمدعلی و آهنی، ابراهیم (۱۳۹۵)؛ «بررسی تابعیت مضاعف در حقوق بین‌الملل»، کنفرانس بین‌المللی نوآوری در علم و تکنولوژی، اسپانیا، بارسلون، صص ۱۱۰۰-۱۰۸۲.

۷. سروی مقدم، مصطفی (۱۳۸۳)؛ «مروری بر تفاوت تابعیت شهروندی و دیگر واژگان مشابه در حقوق ایران، بریتانیا، آمریکا»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۵-۱.

۸. سلجوقی، محمود (۱۳۸۰)؛ بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: نشر میزان.

۹. عبداللهی، سید محمدعلی (۱۳۹۳)؛ آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم تابعیت، تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی، پژوهشکده شورای نگهبان.

۱۰. کاسس، آنتونیو (۱۳۶۴)؛ «حقوق بین‌الملل عرفی درباره تابعیت مضاعف، مجله حقوقی بین‌المللی»، ترجمه نصرت‌اله حلمی، شماره چهارم، صص ۱۹۳-۷۷.

۱۱. ناصحی، علی (۱۳۸۲)؛ «تابعیت و اصول و قواعد حاکم بر آن»، پیک نور، سال اول، شماره ۳، صص ۶۸-۵۸.

۱۲. نصیری، محمد (۱۳۷۲)؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات آگاه.

۱۳. نیاکی، جعفر (۱۳۸۷)؛ «مشمولان ماده ۹۸۹ قانون مدنی ایران»، تحقیقات حقوقی آزاد، پیش‌شماره ۳، صص ۲۱۴-۱۶۸.

۱۴. همت، مسعود (۱۳۹۴)؛ «بررسی مقایسه‌ای مفهوم تابعیت در نظام‌های حقوقی معاصر و حقوق اسلام»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۵، صص ۲۱۴-۱۸۹.

۱۵. مشروح مذاکرات جلسه بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۴)؛ تهران: چاپخانه مجلس شورای اسلامی، جلد اول.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]

ب- منابع لاتین

17. Arthur L. Money (2000). "Guidance to DoD Central Adjudication Facilities (CAF) Clarifying the Application of the foreign preference Adjucitative Guideline". In access http://www.dod.mil/dodgc/doha/policyinterpmemo.pdf. Retrieved June 7, 2019.
18. Bar-Yaacov, Nissim (1961). Dual nationalitr.Londin, published under the auspices of The London Institute of World Affairs by Stevens & Sons Ltd.
19. Cook Martin, David (2013). The scramble for citizen Dual Nationality and State Competition For Immigrants, California,Stanford, Stanford University Press.-
20. Henderson, Andrew, (2019), Which Countries Allow Dual Citizenship In 2019, Wroclaw, Poland,In access https://nomadcapitalist.com/2014/04/25/countries-allow-dual-citizenship/ Retrieved June 7, 2019.
21. Manby, Bronwen (2010). Citizenship law in africa, New York, Open Society Foundations
22. , Second edition.
23. Turner, Bryan S. Isin (2019), Engin, Handbook of Citizenship Studies. SAGE Publications.
24. https://www.legallanguage.com/legal-articles/dual-citizenship-united-states/ Retrieved June 7,.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.29252/qjal.7.23.201]